



# اصول فقه ۲ (حلقه ثانیه)

سطح ۲

درس ۸۰

استاد: حجت الاسلام والمسلمین علم الهدی  
آموزشیار: آقای سید روح الله موسوی

## مقدمه

یکی از ادله شرعی غیر لفظی، و به تعبیر دیگر ادله لبی، فعل معصوم است. در درس گذشته مطالبی درباره نحوه دلالت فعل معصوم بیان شد. گفتیم که فعل معصوم دست کم دلالت بر عدم حرمت دارد و ترک او حداقل دال بر عدم وجوب است. این سؤال مطرح شد که آیا فعل معصوم می‌تواند دلالت بر عدم کراهت نیز داشته باشد و یا ترک فعل توسط معصوم، دال بر عدم استحباب باشد؟ در این زمینه برخی از شرایط بیان گردید. در ادامه این بحث به بررسی مبانی کلامی در زمینه انجام مستحبات و ترک مکروهات توسط معصوم می‌پردازیم و از این طریق، نحوه دلالت فعل معصوم بر احکام شریعت را تبیین می‌نماییم.

پس از آن بحث دیگری درباره اکتفا به قدر متیقن در ادله لبی خواهیم داشت و اصل عدم اختصاص احکام به معصوم را به اثبات خواهیم رساند.

## متن درس

[ الدليل الشرعى غير اللفظى..... دلالة الفعل..... ]

و هل يدل الفعل على عدم كونه مرجوحا، اما مطلقا، و اما فى حالة تكرار صدوره من المعصوم، أو لا يدل على أكثر مما تقدم من نفى الحرمة فى ذلك؟ وجوه مبنية على ان المعصوم هل يجوز فى حقه ترك الأولى و فعل المكروه، أو يجوز حتى التكرار و المواظبة على ذلك، أو لا يجوز شىء من هذا بالنسبة إليه؟ و يلاحظ انه على تقدير عدم تجويز ترك الأولى على المعصوم، اما مطلقا أو بنحو المواظبة على الترك، نستطيع ان نستفيد من الترك عدم استحباب المتروك، كما نستفيد من الفعل عدم كونه مكروها و عدم كون الترك مستحبا.

و تبقى هناك نقطة ينبغى ان تؤخذ بعين الاعتبار و هى: ان هذه الدلالات انما تتحقق فى إثبات حكم للمكلف عند افتراض وحدة الظروف المحتمل دخلها فى الحكم الشرعى، فان الفعل لما كان دالا صامتا و ليس له إطلاق، فلا يعين ما هى الظروف التى لها دخل فى إثبات ذلك الحكم للمعصوم، فما لم نحرز وحدة الظروف المحتمل دخلها لا يمكن ان نثبت الحكم.

و من هنا قد يثار اعتراض عام فى المقام، و هو ان نفس النبوة و الإمامة ظرف يميز المعصوم دائما عن غيره، فكيف يمكن ان نثبت الحكم على أساس فعل المعصوم.

و الجواب على ذلك: إن احتمال دخل هذا الظرف فى الحكم المكتشف ملغى بقوله تعالى: «و لكم فى رسول الله أسوة حسنة» و ما يناظره من الأدلة الشرعية الدالة على جعل النبى و الإمام قدوة، فان فرض ذلك يقتضى إلغاء دخل النبوة و الإمامة فى سلوكهما لكى يكون قدوة لغير النبى و الإمام، فما لم يثبت بدليل ان الفعل المعين من مختصات النبى و الإمام يبنى على عدم الاختصاص.

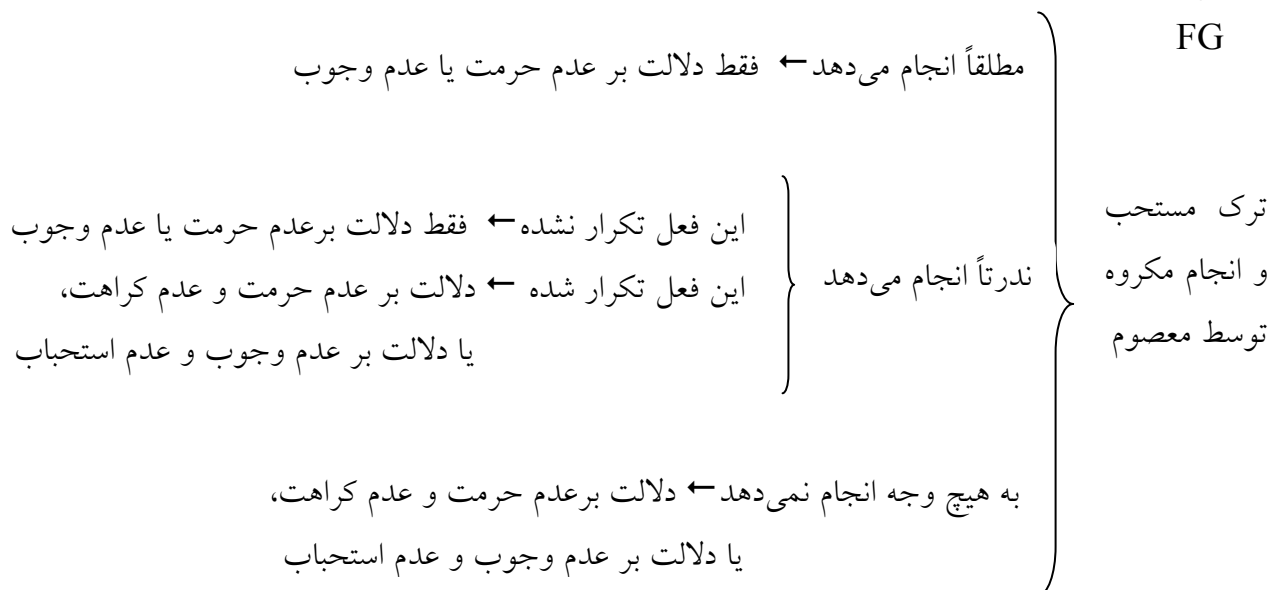
## تأثیر مبانی کلامی در دلالت فعل بر حکم

بیان شد که فعل معصوم، حداقل دلالت بر عدم حرمت دارد و ترک فعل توسط معصوم، دست کم دلالت بر عدم وجوب می‌کند. این سؤال مطرح شد که آیا می‌توان بیش از این احکام (عدم حرمت و عدم وجوب) را از فعل یا ترک معصوم استفاده نمود؟ در درس گذشته با برخی شرایط آشنا شدیم. در ادامه بحث بیان می‌کنیم که پاسخ به این سؤال، بستگی به مبانی دارد که در زمینه انجام مستحب و ترک مکروه توسط معصوم اتخاذ می‌نماییم. در این زمینه، سه مبنا مطرح شده است:

**مبنای اول:** از معصوم، مطلقاً ترک مستحب و فعل مکروه سر می‌زند و ممکن است ایشان به طور مداوم، مستحبی را ترک، یا مکروهی را انجام دهند. طبق این مبنا، فعل معصوم تنها دلالت بر عدم حرمت، و ترک او فقط دلالت بر عدم وجوب دارد.

**مبنای دوم:** معصوم تنها در موارد نادری ترک مستحب می‌کند و یا مرتکب مکروه می‌شود؛ اما به کرات یا به نحو مواظبت و مداومت، ترک مستحب یا انجام مکروه از او سر نمی‌زند. با اتخاذ این مبنا، فعل معصوم دو حالت پیدا می‌کند. اگر فعل مورد نظر، توسط معصوم تکرار نشود، فقط دلالت بر عدم حرمت می‌کند؛ اما اگر به دفعات صادر شود، علاوه بر عدم حرمت، بر عدم کراهت نیز دلالت می‌کند. هم‌چنین اگر معصوم در دفعات انگشت شماری، فعلی را ترک نمود، فقط دلالت بر عدم وجوب دارد، ولی اگر ترک آن فعل را تکرار کرد، علاوه بر عدم وجوب، دلالت بر عدم استحباب هم می‌کند.

**مبنای سوم:** معصوم به هیچ وجه ترک مستحب نمی‌کند و مرتکب مکروه نمی‌گردد. اگر این مبنا اتخاذ شود، فعل معصوم همواره، علاوه بر دلالت بر نفی حرمت، دال بر نفی کراهت نیز خواهد بود. هم‌چنین هر فعلی که توسط ایشان ترک شود، هم دلالت بر عدم وجوب دارد و هم دلالت بر عدم استحباب. بنابراین، مبانی متخذ در زمینه رفتار معصومین (ع) تأثیر بسزایی در نحوه دلالت فعل ایشان بر احکام شرعی می‌گذارد.



## تطبيق

و هل يدل الفعل على عدم كونه مرجوحاً، اما مطلقاً، و اما في حالة تكرار صدوره من المعصوم، أو لا يدل على أكثر مما تقدم من<sup>۱</sup> نفی الحرمة في ذلك؟<sup>۲</sup>

آیا فعل معصوم، به طور مطلق (چه یک بار انجام دهد، چه به دفعات متعدد) یا در صورت تکرار فعل توسط ایشان، دلالت بر عدم کراهت آن فعل می‌کند؟ یا اینکه به حکمی فراتر از عدم حرمت دلالت ندارد؟  
وجوه<sup>۳</sup> مبنیة على ان المعصوم هل يجوز في حقه ترك الأولى و فعل المكروه، أو يجوز حتى التكرار و المواظبة على ذلك،<sup>۴</sup> أو لا يجوز شيء من هذا<sup>۵</sup> بالنسبة إليه؟

(در پاسخ به این سؤال) وجوهی است که مبتنی بر این است که آیا برای معصوم ترک مستحب و انجام مکروه، (به شرط اینکه به حد تکرار و مداومت نرسد) جایز است؛ یا اینکه (ترک مستحب و فعل مکروه) جایز است، هر چند به حد تکرار یا مداومت برسد؛ یا اینکه به هیچ وجه، ترک مستحب و انجام مکروه، بر معصوم جایز نیست؟  
و یلاحظ انه على تقدير عدم تجويز ترك الأولى على المعصوم، اما مطلقاً أو بنحو المواظبة على الترك،  
ملاحظه می‌شود که بر فرض جایز ندانستن ترک مستحب (و انجام مکروه) بر معصوم، چه به طور مطلق و چه در صورت مداومت بر ترک مستحب (و انجام مکروه)،  
نستطيع ان نستفيد من الترك عدم استحباب المتروك، كما نستفيد من الفعل عدم كونه مكروها و عدم كون الترك مستحباً.

می‌توانیم (در فرض عدم تجویز) از ترک (فعل توسط معصوم) مستحب نبودن فعل ترک شده را استفاده کنیم؛ همان‌گونه که از انجام فعل به دست می‌آید که فعل انجام شده، مکروه نیست و ترک فعل، مستحب نمی‌باشد.

Sc01: ۱۱:۵۹

## احتمال دخالت قيود در دليل لبي

یکی از نکات مهم در مورد دليل لبي این است که دليل لبي، صامت و فاقد اطلاق لفظی است و به همین دليل، باید در ادله لبي به قدر متيقن اکتفا نمود. با توجه به اینکه فعل معصوم جزء ادله لبي محسوب می‌شود، لذا باید قدری این قاعده را توضیح دهیم.

اگر دليل لفظی باشد، می‌توان با تمسک به اطلاق، قيود و شرایط محتمل را نفی نمود؛ مثلاً اگر در مورد خطاب «صل» شک کنیم که قيد خاصی لحاظ شده یا نه، می‌توان با تمسک به اطلاق لفظی «صل» اعتبار این قيد مشکوک

<sup>۱</sup> . «من» بیانیه، بیان «ما».

<sup>۲</sup> . مشارالیه: الفعل.

<sup>۳</sup> . جواب «هل».

<sup>۴</sup> . مشارالیه: ترك الاولى و فعل المكروه.

<sup>۵</sup> . مشارالیه: ترك الاولى و فعل المكروه.

را نفی نمود. اما ویژگی دلیل غیر لفظی (لبی) این است که صامت و فاقد لفظ است؛ بنابراین در دلیل غیر لفظی، اطلاق لفظی وجود ندارد، تا با تمسک به آن، قید محتمل نفی شود.

از این رو در ثبوت حکمی که مدلول ادله لبی است، هرگاه احتمال بدهیم که قید یا شرط خاصی مورد لحاظ است، به صرف احتمال، در موارد فقدان قید مشکوک، حکم ثابت نمی‌باشد. به تعبیر دیگر، در دلیل لبی باید به قدر متیقن اکتفا نمود.

به عنوان مثال، معصوم در زمان حضور ظاهری، ملتزم به نماز جمعه است. اگر در عصر غیبت، شک کنیم که آیا وجوب نماز جمعه، مقید به حضور ظاهری معصوم است یا خیر، نمی‌توان به فعل معصوم در التزام به اقامه جمعه تمسک کرد و از این طریق، در زمان غیبت وجوب نماز جمعه را ثابت نمود.

لذا در تمسک به فعل معصوم، باید احراز شود که تمام قیود و شروط دخیل در حکم، در زمان ما و نسبت به ما فراهم است.

### تطبیق

و تبقى هناك نقطة ينبغي ان تؤخذ بعين الاعتبار

در اینجا نکته‌ای باقی ماند که شایسته است مورد توجه قرار گیرد.

و هی<sup>۱</sup>: ان هذه الدلالات انما تتحقق في إثبات حكم للمكلف عند افتراض وحدة الظروف المحتمل دخلها في الحكم الشرعي،

آن نکته این است که: دلالت‌هایی (که برای فعل معصوم برشمرديم؛ مانند عدم حرمت و ...) تنها در صورتی برای اثبات حکمی برای مکلف، متحقق می‌شود که وحدت شروط (میان معصوم و مکلف) که احتمال داده می‌شود دخیل در حکم شرعی باشد احراز گردد.

فان الفعل لما كان دالا صامتا و ليس له إطلاق، فلا يعين ما هي الظروف التي لها دخل في إثبات ذلك الحكم للمعصوم، از آنجا که فعل، یک دلالت کننده بدون لفظ است و (در نتیجه) اطلاقی ندارد، پس این فعل، معین نمی‌کند که چه شرایطی در ثبوت حکم برای معصوم دخالت دارد. (به تعبیر دیگر، وقتی معصوم مرتکب فعلی شد، می‌دانیم که این فعل، نسبت به خود معصوم حرام نیست، اما نمی‌دانیم که چه شرایطی موجب شده که این فعل بر معصوم حرام نباشد).

فما لم نحرز وحدة الظروف المحتمل دخلها لا يمكن ان ثبت الحكم.

پس تا زمانی که وحدت شروط (میان معصوم و سایر مکلفین) که احتمال می‌رود، دخیل (در اثبات حکم برای معصوم) باشد، احراز نگردد، نمی‌توان حکم را (برای سایر مکلفین) اثبات نمود.

Sc02: ۲۰:۵۴

<sup>۱</sup>. مرجع ضمیر: نقطه.

## اشکال عام در زمینه دلالت فعل بر حکم

بیان شد که اگر احتمال بدهیم که در ثبوت حکم برای معصوم، شرطی دخیل بوده است که نسبت به ما موجود نیست، دیگر نمی‌توان فعل معصوم را به عنوان دلیل شرعی بر حکم سایر مکلفین اتخاذ کرد. با توجه به این مطلب، اشکالی مطرح می‌شود که: عنوان «نبوت» و «امامت» کافی است تا احتمال دهیم، این حکم از مختصات نبی اکرم (ص) یا امام معصوم (ع) است و برای دیگران ثابت نمی‌باشد. این اشکال راجع به تمام افعال معصوم می‌تواند مطرح باشد،<sup>۱</sup> و به این لحاظ، یک اشکال عام به حساب می‌آید.

### تطبیق

و من هنا قد یثار اعتراض عام فی المقام، و هو<sup>۲</sup> ان نفس النبوة و الإمامة ظرف یمیز المعصوم دائماً عن غیره، از اینجا (که اثبات حکم، منوط به اثبات وحدت ظروف است) اشکال عامی بر انگیزخته می‌شود. اشکال این است که خود «نبوت» و «امامت» شرطی است که همواره معصوم را از غیر معصوم تمییز می‌دهد. فکیف<sup>۳</sup> یمکن ان نثبت الحکم علی أساس فعل المعصوم.

پس چگونه می‌توان بر اساس فعل معصوم، حکم (مربوط به سایر مکلفین) را ثابت نمود.

### پاسخ به اشکال

احتمال اینکه عنوان نبوت و یا امامت، قیدی باشد که همواره افعال و تروک نبی و امام را از غیر خود متمایز کند، با استفاده از کتاب و سنت قابل نفی است.

به عنوان نمونه، آیه شریفه «لقد کان لکم فی رسول الله اسوة حسنة»<sup>۴</sup> برای شما در رسول خدا (ص) الگوی شایسته‌ای است، این احتمال را رد می‌کند؛ چرا که به ما توصیه می‌کند که پیامبر اکرم (ص) را برای خود اسوه و الگو قرار دهیم؛ یعنی فعل‌های ایشان را انجام دهیم و تروک او را ترک کنیم.<sup>۵</sup> در روایات هم شبیه این مضمون نقل شده است.<sup>۶</sup> لذا با استفاده از این دست آیات و روایات، این اصل به دست می‌آید که: میان معصومین و سایر مکلفین، تفاوتی در حکم نیست، مگر اینکه خلاف آن (اختصاص حکم به معصوم) احراز شود. بنابراین، تنها در مواردی که به دلیل خاص، انحصار و اختصاص حکم به پیامبر و ائمه (ع) اثبات شده است - نظیر جواز ازدواج

<sup>۱</sup> . مراد افعالی است که قرینه حالی یا مقالی بر اختصاص یا عدم اختصاص آن به معصوم وجود نداشته باشد.

<sup>۲</sup> . مرجع ضمیر: اعتراض عام.

<sup>۳</sup> . ادامه اشکال.

<sup>۴</sup> . احزاب/۲۱.

<sup>۵</sup> . ائمه اطهار (ع) نیز از همین ویژگی برخوردارند.

<sup>۶</sup> . قال رسول الله (ص): «انما مثل اهل بیتی فیکم کمثل سفينة نوح من ركبها نجا و من تخلف عنها غرق» (البحار، ج ۲۳، ص ۱۰۵، ح ۳)؛ قال الامام علی (ع): «انظروا اهل بیت نبیکم، فالزموا سمتهم و اتبعوا اثرهم...» (ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۷، ص ۷۶)؛ قال رسول الله (ص): «ان شیعتنا من شیعتنا و اتبع آثارنا و اقتدی باعمالنا» (التفسیر المنسوب الی الامام العسکری، ص ۳۰۷) ...

پیامبر اسلام(ص) با بیش از چهار همسر دائمی در یک زمان - فعل معصوم، دلالتی بر حکم سایر مکلفین نمی‌تواند داشته باشد و در موارد مشکوک، اصل اشتراک احکام میان معصوم و غیر معصوم است.

### تطبیق

و الجواب علی ذلك: <sup>۱</sup> ان احتمال دخل هذا الظرف فی الحكم المكتشف ملغى <sup>۲</sup> بقوله <sup>۳</sup> تعالى: «و لكم فی رسول الله أسوة حسنة»

پاسخ به این اشکال این است که احتمال دخیل بودن این شرط (یعنی عنوان نبوت و امامت) در حکمی که (از فعل یا ترک معصوم) کشف شده است، رد می‌شود، با استفاده از سخن پروردگار متعال که فرموده است: «برای شما در رسول خدا(ص) الگوی شایسته‌ای است».

و <sup>۴</sup> ما یناظره من الأدلة الشرعية الدالة علی جعل النبی و الإمام قدوة،

و آنچه که نظیر این قول خداوند متعال است، از ادله شرعی که دلالت بر اسوه بودن پیامبر اکرم(ص) و امام معصوم (ع) دارد.

فان فرض ذلك <sup>۵</sup> يقتضى إلغاء دخل النبوة و الإمامة فی سلوكهما <sup>۶</sup> لکی یکون <sup>۷</sup> قدوة لغير النبی و الإمام،

پس فرض اینکه نبی و امام (ع) الگو باشند، اقتضا می‌کند که نبوت و امامت، دخیلی در نحوه رفتار نبی و امام(ع) نداشته باشد، تا اینکه رفتار ایشان، نمونه و الگویی برای غیر پیامبر و امام(ع) باشد.

فما لم یثبت بدلیل ان الفعل المعین من مختصات النبی و الإمام ینی علی عدم الاختصاص.

بنابراین، مادامی که با دلیل خاصی ثابت نشود که فعل معینی، از افعال اختصاصی پیامبر و ائمه (ع) است، بنابر عدم اختصاص گذاشته می‌شود.

Scor: ۲۹:۳۵

<sup>۱</sup> . مشارالیه: اعتراض عام.

<sup>۲</sup> . خبر «أن».

<sup>۳</sup> . متعلق: ملغی.

<sup>۴</sup> . معطوف علیه: قوله تعالى.

<sup>۵</sup> . مشارالیه: جعل النبی و الامام قدوة.

<sup>۶</sup> . مرجع ضمیر: النبی (ص) و الامام (ع).

<sup>۷</sup> . اسم یکون: سلوكهما.



## چکیده

۱. مبنای متخذ در مورد انجام مستحب و ترک مکروه توسط معصوم، در تعیین مدلول فعل او مؤثر است؛ اگر بگوییم معصوم حتی به نحو مداومت، ترک مستحب و انجام مکروه دارد، فعل او فقط دلالت بر عدم حرمت دارد. اگر معتقد شویم که ندرتاً ترک مستحب و انجام مکروه دارد، در صورتی که فعل تکرار نشده باشد فقط دلالت بر عدم حرمت دارد و در صورت تکرار، دلالت بر عدم کراهت نیز دارد. و اگر قائل شویم که به هیچ وجه ترک مستحب یا ارتکاب مکروه نمی‌کند، فعل او دلالت بر عدم حرمت و عدم کراهت دارد.
- نحوه دلالت ترک فعل توسط معصوم هم مبتنی بر همین مبانی است.
۲. در تمسک به فعل معصوم (و سایر ادله لبی) باید به قدر متیقن اکتفا نمود؛ لذا باید احراز شود که تمام قیود و شروط دخیل در حکم، در زمان ما و نسبت به ما فراهم است.
۳. میان معصوم و سایر مکلفین، تفاوتی در حکم نیست؛ مگر اینکه خلاف آن (اختصاص حکم به معصوم) احراز شود.